

همایش علمی-پژوهشی مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار

((با همکاری و حمایت معنوی دانشگاه فرهنگیان، آموزش و پرورش، بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری (استان کرمانشاه) مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (استان تهران) و ...))

سر دبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی (نماینده مقالات در ۸ پایگاه ملی و بین المللی)
تاریخ برگزاری همایش: ۱۱ اسفند ۱۴۰۱ شماره مقاله: ۲۸/۷۴۱۰۰ رده بندی کنگره: ب ۲۲/۷۸۹۲۷

تاثیر کرونا ویروس بر تعهدات قراردادی

فاطمه مهری

محقق و پژوهشگر

چکیده:

ظهور و بروز پاندمی کوید ۱۹ (کرونا) در سراسر جهان، فارغ از مباحث عمده بهداشتی از یک سو و اقتصادی و تجاری از سوی دیگر، از منظر حقوقی نیز تبعاتی گسترده بر حوزه حقوق قراردادهای و تعهدات قراردادی بر جای گذاشت. بنابراین در این پژوهش که به روش توصیفی - تحلیلی تهیه و تنظیم شده است، مطالب مطروحه حول محور پاسخ به این پرسش اصلی بوده است که اساساً شیوع ویروس کرونا چه اثراتی بر انجام تعهدات قراردادی بر جای گذاشته است. یافته‌ها و نتایج پژوهش در این خصوص موید این مطلب است که پاندمی کرونا تاثیر بسزایی در حوزه تعهدات قراردادی گذاشته است و به نوعی انجام آنها را با دشواری و تعسر مواجه ساخته است، هرچند که تعذر و مانع جدی برای انجام تعهدات ایجاد نشده است، اما به هر روی با دشوار شدن اجرای قراردادهای و انطباق شرایط ناشی از ویروس با شرایط فورس ماژور، می‌توان با توسل به راهکارهایی نظیر تعدیل قرارداد، توقف موقت، تمدید مدت و نظایر آن از انحلال کلی یا فسخ قراردادهای به واسطه کرونا جلوگیری کرد، مگر در موارد خاص و استثنایی که تداوم کرونا به طور کلی انجام قرارداد را غیرمقدور ساخته باشد. در نتیجه پیدایش پاندمی کرونا سبب انحلال در انجام تعهدات شده است و از این بابت با توجه به احراز شرایط فورس ماژور می‌توان آن را تعدیل کرد، ولی علیرغم آثار شگرف کرونا بر اوضاع و احوال اقتصادی و تجاری، نمی‌توان به طور کلی آن را مانع اساسی و غیرقابل عدول تلقی نمود و به تبع آن حکم به فسخ و انحلال قرارداد صادر کرد.

واژگان کلیدی: کرونا ویروس، کوید ۱۹، حقوق قراردادهای، تعهدات قراردادی، فورس ماژور، تعدیل قرارداد.

بخش اول: مقدمه

پدیده کرونا از منظر حقوقی آثار فراوانی بر قراردادهای و تعهدات قراردادی بر جای گذاشته است. بنابراین آنچه که از اهمیت و ضرورت برخوردار است، تأمل و بررسی در این موضوع است که اساساً شیوع ویروس کرونا چه اثراتی بر انجام تعهدات قراردادی بر جای گذاشته است. باید دید که اصولاً پاندمی کرونا سببی برای دشواری قراردادهای است یا عاملی برای توقف و منتفی شدن قراردادهای تلقی خواهد شد، همینطور باید دید که نسبت آن با فورس ماژور چیست. هدف ما این است که بررسی کنیم آیا میتوان می‌توان با توسل به راهکارهایی نظیر تعدیل قرارداد، توقف موقت، تمدید مدت و نظایر آن از انحلال کلی یا فسخ قراردادهای به واسطه کرونا جلوگیری کرد یا خیر. این دغدغه‌ها و مسائل به طور مجموع شکل دهنده این پژوهش، محتوا و نتایج آن خواهند بود. با توجه به نوپدید بودن کرونا و آثار حقوقی آن، امید است که در این پژوهش با یافتن پاسخ‌های درخور برای دغدغه‌ها و مسائل مطروحه، بتوانیم پژوهش‌های ارزشمند پیرامون این موضوع را ولو یک گام به سمت جلو ببریم.

بخش دوم: مکان‌سنجی اثرات کرونا بر قرارداد

بند اول: امکان توقف قرارداد

توقف قرارداد از جمله دیگر وضعیت‌های حقوقی است که ممکن است قراردادهای با آن مواجه شده و تعهدات قراردادی طرفین عقد را تحت تأثیر قرار دهد. این مفهوم، بیشتر در مواقعی کاربرد دارد که حادثه موقتی باشد و بر این اساس، اجرای قرارداد تا رفع حالت فوق‌العاده متوقف می‌شود. با توجه به اینکه ویروس کرونا علیرغم واکنش‌های گسترده، همچنان ادامه داشته و امری موقت محسوب نمی‌شود، لذا نمی‌توان از ظرفیت توقف قراردادهای برای شرایط حاکم بر ویروس کرونا و تأثیر آن بر قراردادهای بهره برد، در نتیجه به نظر می‌رسد به واسطه عدم موقتی بودن ویروس کرونا، نمی‌توان این وضعیت را یک وضعیت موقتی تلقی نمود و از توقف قرارداد برای عبور از این بحران بهره برد.

بند دوم: امکان تعلیق قرارداد

در قانون مدنی ایران، ذکری از تعلیق به میان نیامده است، ضمانت اجراهای پایان قرارداد، محدود به مواردی همچون بطلان، فسخ، انفساخ و عدم نفوذ است و حالتی که طی آن قرارداد پایان نیافته ولی تعهدات طرفین به حالت تعلیق درآید صراحتاً پیش‌بینی نشده است. همانگونه که از ذکر واژه «صراحتاً» برمی‌آید، بعضی معتقدند که موارد تعلیق به طور ضمنی ذیل بعضی مباحث قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته است و مواردی مانند ماده ۵۲۷ قانون مدنی را ذکر کرده‌اند. (بادینی، ۱۳۹۶: ۳۲) در خصوص تأثیری که ویروس کرونا بر قراردادها می‌گذارد، نمی‌توان بر روی تعلیق قرارداد حساب کرد، چرا که اساساً شرایط تعلیق قراردادی با آنچه که به واسطه بروز ویروس کرونا پیش می‌آید منطبق نیست و اساساً در حقوق داخلی چندان تعلیق قراردادی مورد استفاده قرار نگرفته است فلذا نمی‌توان از ظرفیت تعلیق قرارداد برای وضعیت ناشی از کرونا در قراردادها بهره برد.

بند سوم: امکان تعدیل قرارداد

از جمله اثرات ویروس کرونا بر قراردادها به صورت تعدیل قراردادها ظهور و بروز می‌کند که این مساله به صورت تعذر در اجرای قرارداد و تعسر در اجرای قرارداد است که در این قسمت همین مساله را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

• تعذر در اجرای قرارداد به واسطه بروز ویروس کرونا

تعذر اجرای تعهدات قراردادی، معلول وضعیت و مانعی است که به موجب آن، متعهد قراردادی امکان ایفای تعهدات را ندارد و این طریق برای او کاملاً مسدود است. حالت مذکور که در نظام‌های حقوقی مختلف دنیا تحت عناوینی چون، عدم امکان، غیرعملی شدن، فورس ماژور، قوای قاهره و ... مورد شناسایی، تبیین و تفصیل قرار گرفته است، از حیث تاریخی مقدم بر بحث «تعسر» می‌باشد و لذا سابقه بحث بیشتری را به خود اختصاص داده است، پدیده‌ای نظیر فورس ماژور ریشه در کد ناپلئون و حقوق روم دارد (Mazzacano, ۲۰۱۱: ۳۶) این موضوع در حقوق کامن لا نیز هرچند نتایجی شبیه فورس ماژور در شرایط مشابه وجود دارد اما معمولاً از دکتین غیرعملی بودن اجرای قرارداد و همینطور

دکترین انتقا یا عقیم شده بهره می‌برند. (Girsberger, ۲۰۱۲: ۱۲۳) اما در خصوص مفهوم و معیارهای نظری تعدّر، حقوقدانان و فقهای داخلی بحث‌های مفصلی انجام داده‌اند. (نیازآبادی و انصاری، ۱۳۹۹: ۴۶۳) در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران نیز اجمالاً با تکیه بر قواعدی چون «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بائعه» و «بطلان کل عقد لتعدّر الوفاء بمدلوله» و مادتين ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی و جمع شرایطی چون خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب بودن برای مانعی که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد، تعدّر اجرای تعهدات قراردادی محقق شده و حکم به انفساخ قرارداد و عدم مسئولیت متعهد قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته است. با وجود اختلاف نظرهای موجود و برخی واگرایهایی ظاهری میان نظام‌های حقوقی مختلف در خصوص مفهوم و معیارهای نظری «تعدّر اجرای تعهدات قراردادی»، با بررسی اجمالی صورت گرفته می‌توان ادعا نمود وجه اشتراک و نقاط وفاق متیقن همه نظام‌ها در چند مورد خلاصه می‌شود و آن اینکه مانعی خارجی (خارج از اراده) در مسیر اجرای تعهدات قراردادی پیش آید که نوعاً برای متعهد غیرقابل پیش‌بینی است و وی با توجه به شرایطی که دارد، نتواند مانع مزبور را کنترل نماید یا از آن اجتناب و بر آن غلبه کند. نتیجه نهایی مانع مزبور آن است اجرای تعهدات قراردادی برای متعهد، «محال» و «غیرممکن» می‌گردد، فارغ از اینکه اثر این مانع در نظام‌های حقوقی مختلف بر قرارداد و رابطه حقوقی طرفین چه باشد، می‌توان گفت که غالباً در فرض وقوع چنین مانعی قرارداد منحل می‌شود و دیگر به حیات خود ادامه نخواهد داد.

• تعسر در اجرای قرارداد به واسطه بروز ویروس کرونا

تعسر اجرای تعهدات قراردادی، معلول وضعیت و مانعی است که به موجب آن، اگرچه متعهد قراردادی امکان ایفاء تعهدات را دارد و این طریق برای او کاملاً مسدود نشده، این اجرا برای او بسیار دشوار است و هزینه مضاعفی را نسبت به شرایط عادی بر او تحمیل می‌نماید. حالت مذکور در نظام‌های حقوقی مختلف کاملاً لا و رومی ژرمنی تحت عناوینی چون دشواری مفرط، تغییر بنیادین اوضاع و احوال، انتفای هدف قرارداد، غیرعملی شدن قرارداد و ... مورد شناسایی قرار گرفته است. مثلاً در حقوق آلمان این موضوع ذیل دشواری شدید در اجرای قرارداد و یا بی فایده شده آن برای یکی از طرفین قرارداد شناخته می‌شود. (Schleehtriem, ۲۰۰۲: ۴۳) گفتنی است، در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران، اگرچه قواعدی چون نفی عسر و حرج و مقرراتی مانند شرایط عمومی پیمان وجود دارد، اما صراحتاً

تعسر احکام، مقررات و آثار صریح و معینی نداشته و مانند تعذر چارچوب تقریباً مشخصی ندارد. با وجود اختلاف نظرهای موجود و برخی واگرایی‌ها میان نظام‌های حقوقی مختلف در خصوص مفهوم و معیارهای نظری «تعسر اجرای تعهدات قراردادی»، با بررسی اجمالی صورت گرفته می‌توان ادعا نمود وجه اشتراک و نقاط وفاق متیقن همه نظام‌ها در چند مورد خلاصه می‌شود و آن اینکه مانعی خارجی (خارج از اراده) در مسیر اجرای تعهدات قراردادی پیش آید که نوعاً برای متعهد غیرقابل پیش‌بینی است و وی با توجه به شرایطی که دارد، نتواند مانع مزبور را کنترل نماید یا از آن اجتناب و بر آن غلبه کند. نتیجه نهایی مانع مزبور آن است اجرای تعهدات قراردادی برای متعهد، «بسیار دشوار» می‌گردد؛ به گونه‌ای که هزینه‌ای مضاعف را بر متعهد قراردادی تحمیل می‌کند و تعادل و توازن را که در حالت عادی بر قرارداد حاکم بود، از بین می‌برد. فارغ از اینکه بر اساس نظام حقوقی حاکم، مانع مستحدث چه تأثیری بر قرارداد بگذارد یا رابطه حقوقی طرفین را به چه صورت تعبیر و تفسیر نماید، می‌توان چنین گفت که غالباً انحلال یا تعلیق قرارداد راهکار مورد پذیرش نیست و تعهد متعهد قراردادی نیز ساقط نمی‌شود؛ بلکه از طرقی مثل تعدیل قرارداد شکل تعهدات تغییر یافته، به گونه‌ای ضرر وارده ناشی از تغییر اوضاع و احوال متعهد را دچار خرج حداکثری ننماید. لذا در این صورت از معاذیر موجه، عکس حالت تعذر، قاعدتاً قرارداد به حیات خود ادامه می‌دهد. (نیازآبادی و انصاری، ۴۷۵:۱۳۹۹)

در حقوق بین‌المللی نظیر کنوانسیون وین، تعسر در اجرای قرارداد ممکن است عینی یا موضوعی باشد، در عدم امکان عینی، موضوعی که برای همه طرفین معاهده مهم است از بین می‌رود، در حالی که در عدم امکان موضوعی، مسأله‌ای که برای یکی از طرفین مهم بوده است، از بین می‌رود. (Dorr, ۲۰۱۲: ۱۰۵۶)

• انواع تعدیل

تعدیل قرارداد خود به چند قسمت قابل تقسیم است، تعدیل قراردادی، تعدیل قضایی و تعدیل قانونی که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت.

• تعدیل قراردادی

در تعدیل قرارداد به روش قراردادی، بر خلاف تعدیل به روش قانونی تنها اصله‌اللزوم با استثناء روبرو شده چرا که در واقع طرفین در این روش در خصوص شرط تعدیل در موارد لزوم با یکدیگر توافق داشته، بنابراین در این وضعیت بر خلاف اصل حاکمیت اراده عمل نشده است. تعدیل به روش قراردادی به طور کلی به دو صورت تحقق می‌یابد که خود آنها به چند شیوه صورت می‌گیرند که در ادامه به آن می‌پردازیم. بنابراین باید توجه شود که در این روش، پذیرفتن امکان تعدیل به دو صورت مورد توافق طرفین عقد قرار می‌گیرد، با این توضیح که گاه طرفین در حین عقد در خصوص اعمال تعدیل در موارد لزوم با یکدیگر اجماع داشته و شرط تعدیل را در قالب یکی از بندهای قرارداد در آن جایگزین می‌کنند که همان شرط ضمن عقد محسوب شده و آثار شروط ضمنی را در بر خواهد داشت و گاه در اثنای اجرای عقد به دلیل دگرگونی که در شرایطی که حین عقد وجود داشته، متعاقبین به این نتیجه می‌رسند که با توافق یکدیگر اقدام به تعدیل قرارداد نمایند. اما ماهیت شرط تعدیل در وضعیتی که به صورت یک توافق فرعی در ضمن یک قرارداد پیش بینی می‌شود چیست؟ همان طور که در باب تعدیل قانونی گفته شد هر الزام و تعهدی که در عالم حقوق به وجود می‌آید به موجب یکی از اسباب تعهد می‌باشد، که در تعدیل قانونی گفته شد، سبب به وجود آمدن چنین الزامی قانونگذار می‌باشد که در این خصوص می‌توان گفت که خود قانون به عنوان یک سبب جدا محسوب نشده و در دسته وقایع حقوقی قرار می‌گیرد. در اینجا نیز شرط تعدیل چون یک توافق فرعی بر مفاد عقد می‌باشد در زمره اعمال حقوقی قرار می‌گیرد و در واقع به نوعی اعلام اراده دو طرف عقد می‌باشد که در موارد لزوم منتهی به متعادل شدن تعهدات قراردادی می‌شود، ضمن اینکه در این روش، شرط تعدیل در واقع یک نوع شرط ضمن عقد محسوب می‌شود، بنابراین برای آنکه آثار آن متجلی شود، باید قواعد کلی صحت این شروط را داشته باشد. (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۲۸۰) اما شیوه‌هایی که شرط تعدیل در قرارداد منجر به ایجاد توازن و تعادل در عوضین می‌شود عبارتند از:

الف) شرط تعدیل اتوماتیک واره: در مواردی شرط تعدیل، اتوماتیک واره منجر به برقراری تعادل در عقد می‌شود که این حالت خود ممکن است با واسطه یا بی‌واسطه صورت بگیرد با این توضیح که در مواردی یک شاخص در عقد قرارداده می‌شود که در واقع این شاخص است که قلمرو تعهدات طرفین را تعیین

می‌کند، به عنوان مثال با معیار قراردادن طلا یا دلار، میزان تعهد بی اراده طرفین با تغییر تحولات قیمت‌ها تغییر می‌یابد که به آن تعدیل بی‌واسطه قرارداد می‌گویند. ولی گاه ممکن است که طرفین نخواهند که تعدیل به این صورت مستقیم و تا این حد خشک و خشن باشد که تغییر در شاخص به طور خودکار باعث تغییر در تعهد طرفین شود، به همین خاطر آنان پیشاپیش واسطه‌ای را جهت انجام این کار معین خواهند کرد. در این حالت اگرچه بدون دخالت واسطه تعدیلی وجود نخواهد داشت، با اینهمه اتوماتیک تلقی شدن تعدیل، از این روی است که اراده‌های طرفین جهت تغییرات بعدی در عقد به صورت قاطع اعلام شده و نیاز به تراضی مجدد آنان ندارد. واسطه پیش‌بینی شده می‌تواند اقدام به بازبینی تعهد نماید و کسی که به انتخاب متعاقدين می‌تواند واسطه برابر سازی تکالیف نابرابر شده آنان شود، یا یکی از طرفین قرارداد و یا شخص ثالث است. به عنوان نمونه ممکن است در قرارداد خرید طولانی مدت محصولات تولیدی یک کارخانه، خریدار بپذیرد که در صورت حدوث اوضاع و احوالی که باعث گرانت‌ر شدن هزینه‌های تولید شود، فروشنده بتواند قیمت محصولات تحویلی را متناسب با افزایش نرخ عوامل موثر در تولید، تغییر دهد. (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۲۸۰) نمونه بارز این شرط در کشور ما، قراردادهای مربوطه به پیش فروش آپارتمان‌های مسکونی است که گاه میان انعقاد قرارداد و بیع قطعی و تحویل مبیع مدت‌ها فاصله می‌افتد. بهای مورد توافق در این گونه عقود غالباً جنبه موقت دارد و در آن حق تجدید نظر بر مبنای ویژه‌ای برای فروشنده شرط می‌شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

ب) شرط تعدیل غیر اتوماتیک وار: در این شیوه شرط برگرداندن توازن از دست رفته عقد علی‌رغم پیش‌بینی شرط تعدیل در حین عقد، منوط به مذاکره و الحاق مجدد طرفین به یکدیگر می‌باشد، ضمن اینکه در این روش حتی محتوای تعدیل در حین عقد پیش‌بینی می‌شود اما، جهت اعمال آن در موارد لزوم نیاز به توافق و مذاکره طرفین دارد. باید توجه داشت در حالتی که تعدیل به صورت یک شرط در ضمن عقد مطرح می‌شود، هم در شرط تعدیل اتوماتیک و هم در شرط تعدیل غیر اتوماتیک باید مبناء شرط مشخص باشد، در غیر این صورت تعدیل قرارداد مفاد یک شرط مجهول است؛ چرا که اصلاح قرارداد در صورت بروز حادثه مورد نظر بدون آنکه مبنا تعدیل معلوم و مشخص باشد، شرط گردیده است. ضمن اینکه باید در نظر داشت میان شرط مجهولی که جهل آن منجر به جهل یکی از عوضین و شرط مجهولی که تنها خود شرط مجهول می‌باشد و جهل به آن به یکی از عوضین سرایت نمی‌کند تفاوت

وجود دارد. گاهی اوقات شرط مجهول است ولی مورد معامله را هم مجهول می‌کند در این صورت عقد نیز باطل است، چراکه در واقع جهل به شرط منجر به مجهول شدن مورد معامله می‌گردد که غرری شدن معامله را در پی خواهد داشت به طور مثال موردی را در نظر بگیرید که ۱۰۰ کیلو برنج در انبار موجود است فروشنده این ۱۰۰ کیلو برنج را به این شرط می‌فروشد که هر قدر که می‌خواهد از رویش بردارد ولی خریدار پول ۱۰۰ کیلو را بدهد که در این وضعیت با توجه به معلوم نبودن مورد معامله خریدار نمی‌داند که چه مقدار برنج را خریداری می‌کند معامله غرری است، در نتیجه شرط و عقد هر دو باطل می‌باشند، و بند ۲ ماده ۲۳۳ قانون مدنی نیز این شرط را صراحتاً در دسته شروط باطل و مبطل قرار داده است. اما اگر مجهول بودن شرط به عوضین سرایت نکند تنها خود شرط باطل است و عقد صحیح می‌باشد. در نتیجه هرگاه شرط مجهول پیدایش غرر در قرارداد را سبب گردد، مبطل عقد نیز خواهد بود و چون شرط مجهول مورد بحث ما (تعدیل بدون تعیین مبناء آن) موجب غرری گشتن عقد می‌شود و ارتباط تام با عوضین دارد، موجب ابطال عقد نیز خواهد گردید و اگر انجام مذاکره جهت انجام تعدیل به صورت یک الزام برای طرفین شرط شود به آن شرط هارد شپ می‌گویند. بنابراین با یکی از شیوه‌های معمول در تعدیل قرارداد، یعنی پیش‌بینی امکان تعدیل در قالب یک شرط ضمن عقد و شیوه‌های مختلف اعمال آن با توجه به میزان دخالت اراده طرفین در انجام تعدیل شدیم. اما وضعیت دیگری که در مواردی متصور است، این است که طرفین بدون در نظر گرفتن چنین شرطی در حین عقد؛ با شرایطی روبرو شوند که اجرای تعهد را برای یکی از متعاقدين با مشکل روبرو کرده و منجر به تحمیل تعهداتی گزاف بر او شود که در چنین وضعیتی تنها راه برای آنها یک توافق جدید در کنار عقد اصلی مبنی بر تعدیل قرارداد موجود می‌باشد. لازم به ذکر است که در این نوع از تعدیل قراردادی طرفین عقد حتی امکان مذاکره در خصوص تعدیل را در حین عقد پیش‌بینی ننموده‌اند و در واقع متعاقدين در اثنای اجرا با وضعیتی روبرو شده‌اند که برای خلاصی از آن هیچ تمهیداتی از قبل در نظر نگرفته‌اند. به طور مثال فرضی را در نظر بگیرید که کارخانه ماشین‌سازی تعهد به تحویل ماهانه بیست دستگاه ماشین کشاورزی در قبال دریافت مبلغی معین در مقابل هر دستگاه نموده باشد و بعد از گذشت چند سال به علت ویروس کرونا و محدودیت حمل و نقل و جلوگیری از ورود قطعات مورد نیاز کارخانه، همچنین افزایش دستمزد کارگران و مواد اولیه، انجام این تعهد برای کارخانه ماشین‌سازی بسیار مشکل شود. در این صورت، طرفین قرارداد می‌توانند با توافق یکدیگر در صورت اول مبلغ پرداختی توسط خریدار را افزایش دهند و یا توافق نمایند

که به جای تحویل بیست دستگاه ماشین در هر ماه، پانزده دستگاه ماشین تحویل شود (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۳۳۳) که در این وضعیت باید گفت تعدیل قرارداد در حین اجرای آن ممکن است در قالب اقاله با توسل به نظریه‌ای که مقتبس شده از حقوق فرانسه است باشد. با این توضیح که در حقوق فرانسه، آنها معتقدند نظریه جهت، تنها شامل زمان انعقاد قرارداد نیست و زمان اجرای آن را نیز در بر می‌گیرد و نه تنها لازم است که قرارداد در زمان انعقاد دارای جهت مشروع و صحیحی باشد بلکه اصل همبستگی و ارتباط بین دو موضوع مورد معامله در معاملات معوض ایجاب می‌کند که تعادل اقتصادی بین دو موضوع تا پایان اجرا حفظ شود تا به جهت تعهد لطمه وارد نیاید. هنگامی که تعادل اقتصادی قرارداد بعداً خدشه‌دار می‌شود، در واقع به جهت تعهد یکی از طرفین، که همان تعهد مقابل است لطمه وارد آمده است. پس لازم است با بازبینی در قرارداد، چنین ایرادی بر طرف گردد. عده‌ای از حقوقدانان با این استدلال بر این نظر ایراد گرفته‌اند که اولاً شرط جهت در زمره شرایط صحت عقد در حقوق فرانسه مطرح شده، بنابراین در صورتی که محجور واقع شود به تبع آن موجبات بطلان عقد به وجود خواهد آمد و در این صورت نمی‌توان با تعدیل بعدی عقد را اصلاح نمود و ثانیاً لازمه وجود جهت در قراردادهای مستمر (با اجرای طولانی مدت) پس از انعقاد قرارداد به این معنا نیست که دو عوض از هر لحاظ دقیقاً متعادل باشند، بلکه همین اندازه که تعادل عرفی در حدی که طرفین قرارداد آن را خواسته‌اند برقرار باشد کافی است. (بیگدلی، ۱۳۸۸: ۳۳۳)

اما در وضعیت دیگری که از آن تحت عنوان تعدیل بخشی از عقد تعبیر می‌شود باید گفت که با توجه به تعریفی که از اقاله وجود دارد یعنی تراضی طرفین عقد بر انحلال و زوال آثار آن در آینده تعدیل قرارداد نیز در بخشی از وجود خود، شاهد انحلال و زوال عقد اولیه می‌شود. پس ممکن است در صورت بروز حوادثی که در عقد اصلاح و بازبینی را ضروری می‌سازد، طرفین از همان روش سنتی فسخ دو جانبه، جهت رسیدن به هدف خویش بهره‌برداری نمایند. تعدیل در قالب اقاله بخشی از عقد ممکن است با دو روش رخ دهد با این ترتیب که گاهی اقاله بخشی از عقد، بدون کاهش یا افزایش عوض و معوض صورت می‌گیرد که این نوع تعدیل بی تردید صحیح می‌باشد و فقه امامیه و قانون مدنی نیز تردیدی در پذیرش جزئی از قرارداد به خود راه نمی‌دهند. موضوع اقاله ممکن است تمام معامله واقع شود یا فقط مقداری از مورد آن، به طور مثال کشاورزی را تصور کنید که به موجب عقد بیع سلف متعهد گردیده

است، که محصولات باغ خود را شامل گندم و جو می‌باشد در فصل آبی به خریدار تحویل دهد، اما به دلیل شرایط کرونا و مشکلات ناشی از آن موفق به تولید گندم شده و در قسمتی از تعهد خود که مربوط به جو به خریدار می‌باشد عاجز می‌ماند که در این وضعیت خریدار و فروشنده با اقاله بخشی از عقد که مربوط به تحویل جو از جانب فروشنده به خریدار می‌باشد اقدام به تعدیل قرارداد می‌نمایند و گاهی نیز اقاله بخشی از عقد، با کاهش یا افزایش عوض و معوض صورت می‌گیرد که در این حالت در واقع عده‌ای از حقوقدانان معتقد هستند که ضمن اقاله بخشی از عقد، شرطی مبنی بر افزودن و یا کاستن عوض و معوض نیز می‌توان قرار داد که در این خصوص دو پرسش به وجود می‌آید: آیا با توجه به ماهیت اقاله پذیرش چنین شرطی امکان پذیر است و دوم اینکه بر فرض بطلان این شرط، آیا شرط مزبور در زمره شروط باطل و مبطل عقد می‌باشد، به عبارت دیگر اگر شرط باطل باشد اقاله و به تبع آن، تعدیل نیز باطل است و یا تعدیل عقد را بنا به دلایلی می‌توان پذیرفت؟ که در پاسخ به پرسش اول، با توجه به ماهیت اقاله در فقه امامیه که قانون مدنی نیز از آن تبعیت نموده است، اقاله در واقع عامل تفاسخ و انحلال عقد می‌باشد و در تعریف آن نیز گفته شده است «اقاله تراضی دو طرف عقد است بر انحلال و زوال آثار آن در آینده» و از لزوم تراضی دو طرف برای تحقق اقاله چنین بر می‌آید که اقاله عقد است، هرچند سبب انحلال عقد پیش از خود و تعهدات ناشی از آن می‌شود، بنابراین کاستن و افزودن دو عوض در اقاله اگر جزئی و ناظر بر امور اضافی و خارجی نباشد و دو عوض اصلی را تغییر دهد، با مقتضای اقاله مخالف است و ماهیت آن را تغییر می‌دهد، ولی چنین شرطی ممکن است سبب بطلان اقاله یا تبدیل آن به عقد معوض دیگر شود. (کاتوزیان، ۱۳۸۶: ۱۳۲)

در خصوص پرسش دوم، و اینکه بطلان شرط ضمن اقاله مبنی بر کاهش یا افزایش عوضین آیا منجر بر بطلان اقاله و به تبع آن تعدیل نیز می‌شود؟ از انجایی که مقتضای ذات اقاله انحلال عقد و بازگرداندن همان دوعوض بدون هیچ کاستی و فزونی می‌باشد، شرط کاستی یا فزونی عوضین در اقاله در دسته شروط باطل و مبطل می‌باشد، بنابراین اولاً این شرط منجر بر بطلان اقاله و به تبع آن تعدیل صورت گرفته می‌شود، که بند اول ماده ۲۳۳ قانون مدنی مبنی بر مبطل بودن شرط خلاف مقتضای ذات عقد نیز می‌تواند پشتوانه قانونی این نظر تلقی گردد. عده‌ای نیز تعدیل به موجب توافق بعدی در عقد را در قالب تبدیل تعهد قابل توجیه می‌دانند و معتقدند که تعدیل قرارداد در اثنای اجرای عقد نوعی تبدیل تعهد

محسوب می‌شود، اما با اندکی تأمل می‌توان در یافت که میان این نهاد (تبدیل تعهد) و تعدیل قرارداد یک تفاوت اساسی وجود دارد با این توضیح که: تبدیل تعهد یعنی تعهد و قراردادی که در گذشته بوده ساقط و تعهدی جدید جایگزین آن گردد. یکی از انواع تبدیل تعهد، تغییر موضوع قرارداد است که در این فرض، که با تعدیل قرارداد مورد بحث ما مشابهت می‌یابد، تبدیل تعهد در مورد موضوع به دو صورت تصور می‌شود:

اول) تبدیل مورد تعهد: مانند آن کسی که به دیگری مقداری گندم مقروض باشد و طرفین قرار بگذارند که مدیون به عوض گندم، مبلغی پول مقروض باشد. (فخارطوسی، ۹۸)

دوم) تبدیل سبب تعهد: مانند آن کسی که مبلغی از بابت مال الاجاره به مالک بدهکار باشد و دوطرف توافق کنند که آن مبلغ را مستأجر به عنوان قرض نگه دارد. در این فرض سبب تعهد که در گذشته عقد اجاره بوده متبدل به سببی دیگر، قرض گردیده است.

تفاوت بنیادین تبدیل تعهد در قالب موضوعی آن با تعدیل قرارداد در شکل موضوعی‌اش این است که در تبدیل موضوع تغییر جوهری و ذاتی یافته، قرارداد نخستین نابود و تعهدی تازه پیدا می‌شود در حالی که تغییر حادث در پی تعدیل در حریم جوهره و ذات موضوع راه نمی‌یابد. نویسندگان بر اساس همین تفاوت میان تعدیل و تبدیل قرارداد، مواردی از تغییر موضوع، همچون اضافه کردن مدت به تعهد سابق (در رابطه با تحویل موضوع) تمدید یا الغای مدت، تبدیل سند تجاری به سند دیگر (به انگیزه افزایش زمان) را از حوزه تبدیل خارج و مشمول عنوان تعدیل می‌دانند. همچنین اضافه کردن شرط به التزام سابق، تبدیل مکان و فاء، تغییر قیمت (کاهش یا افزایش) تغییر مقدار موضوع تعهد (افزایش یا کاهش) را نیز از همین قبیل به شمار می‌آورند. در خور توجه است که اگر وصف مورد نظر یک کالا، صرفاً شرح جزئیات کالا بوده باشد و نه ذات اصلی آن، با تغییر وصف نیز تبدیل تعهد رخ می‌دهد، مانند این که موضوع تعهد اصلی که یک خروار گندم دیم محصول خراسان بوده به یک خروار گندم آبی محصول دشت کرمان تغییر یابد. بنابراین نباید غفلت کرد که تعدیل در موضوع قرارداد تنها با تغییر صفاتی امکان پذیر است که ذات موضوع را متبدل نسازد و بازشناسی این گونه صفات از صفات دیگر، موکول به جای خود می‌باشد. بر پایه ویژگی تبدیل تعهد که متضمن نابودی تعهد و جایگزینی دیگر است فرق دومی هم بین این عمل

شاید بتوان نمونه تعدیل قراردادی قانونی متأثر از ویروس کرونا را در تعهدات مربوط به عقد اجاره با کمی مسامحه منطبق ساخت. اسفند سال ۱۳۹۸ بود که ستاد ملی مبارزه با کرونا مصوبه تمدید اجباری قراردادهای اجاره را تا پایان اردیبهشت ماه تصویب و ابلاغ کرد، این مصوبه در خردادماه ۱۳۹۹ با تصمیم مجدد ستاد مبارزه با کرونا و با هدف جلوگیری از شیوع کرونا در پی اسباب کشی، مجدداً تمدید شد و نهایتاً در تیرماه امسال با تغییرات جدید برای اجرا به دستگاه‌های مربوطه ابلاغ شد. وزیر راه و شهرسازی تیر ماه امسال در نامه‌ای با موضوع مصوبات بیست و ششمین جلسه ستاد ملی مدیریت کرونا در ۸ تیر ۹۹ به سرپرست وزارت صنعت، معدن و تجارت، دادستان کل استان‌ها، روسای دادگستری کل استان‌ها و رئیس مشاوران املاک کشور، بر اجرای مصوبات ستاد ملی کرونا، بر اجرایی کردن مواد ۹ و ۱۰ مصوبه در خصوص تمدید قراردادهای اماکن استیجاری و الزامی شدن ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور و اخذ کد رهگیری تاکید کرد و خواستار اتخاذ تصمیم در این باره شد. از آن زمان تاکنون این مصوبه در حال اجرا بود و موجب تمدید ۵۰ درصد قراردادهای اجاره شد تا اینکه رئیس دفتر ریاست جمهوری موارد «استثناً» در «تمدید قراردادهای اجاره اماکن مسکونی» را برای اجرا به وزیر کشور ابلاغ کرد و یک بند به این مصوبه اضافه شد. بدین ترتیب چنانچه مالک به منظور تخریب واحد مسکونی و احداث ساختمان جدید، پروانه ساختمانی اخذ کرده باشد و یا چنانچه مستاجر تا یک ماه پس از تمدید قرارداد اجاره جدید، مابه‌التفاوت مال الاجاره را به موجر پرداخت نکرده باشد، همچنین چنانچه به تشخیص مرجع صالح رسیدگی کننده، نیاز مالک (موجر) به دلیل ازدواج اولاد ذکور وی به ملک مسکونی مورد اجاره احرار شود، قرارداد تمدید نخواهد شد. براساس اعلام وزارت راه و شهرسازی قراردادهای اجاره در سال ۱۴۰۰ و تا سه

ماه پس از اعلام رسمی پایان کرونا همچنان به طور اجباری تمدید خواهد شد و مالکان نمی‌توانند مستاجران خود را جواب کنند. در این گزارش آمده است که مصوبه ستاد مبارزه با کرونا درباره تمدید قراردادهای اجاره تا سه ماه پس از اتمام کرونا اعلام شده است، بنابراین امسال هم این مصوبه اجرایی می‌شود. به این ترتیب، در سال ۱۴۰۰ و تا سه ماه بعد از اعلام پایان رسمی کرونا در کشور، این مصوبه ملاک عمل خواهد بود. بنابراین هر فردی که اجاره نامه‌اش تمام شده باشد با درصدی که اعلام خواهد شد مجدد اجاره‌نامه خود را تمدید خواهد کرد و نیازی به اسباب‌کشی وجود ندارد. امسال هم مالکان نمی‌توانند مستاجران خود را جواب کنند. وزارت راه و شهرسازی همچنین اعلام کرد: مصوبه تعیین سقف اجاره بها و پرداخت وام ودیعه در سال قبل تا حدودی توانست بازار اجاره را تعدیل کند. سال (۱۳۹۹) ۹۲۰ هزار نفر متقاضی دریافت وام ودیعه ثبت‌نام و ۳۳۵ هزار نفر مدارک خود را تکمیل کردند و به نظام بانکی معرفی شدند و در نهایت ۲۲۰ هزار نفر تسهیلات وام ودیعه را دریافت کردند. ۴ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان وام ودیعه مسکن در سال گذشته پرداخت شد، اما رقمی که دولت در نظر گرفته بود فراتر بود. بسیاری از مستاجران شرایط عمومی دریافت وام را نداشتند و نتوانستند مدارک خود را تکمیل کنند. نقدهای جدی به اقدامات ستاد و مصوبات مذکور وجود دارد، چرا که اصولاً از نظر موازین حقوقی، این ستاد هرگز در قامت نهاد قانونگذاری تلقی نمی‌شود و حق قانونگذاری نخواهد داشت، اما از یک زاویه چون امر حاکمیتی است و از سویی این ستاد بازوی شورای عالی امنیت ملی است که این نهاد را جز ارکان رسمی به حساب می‌آورد و از سوی دیگر نیز کشور در حال نامتعارفی واقع شده است برخی این اقدامات را توجیه‌پذیر تلقی کرده‌اند. وجود چند اشکال حقوقی، فنی و اقتصادی در مصوبه تمدید اجباری اجاره‌نامه املاک مسکونی تا زمان نامشخص که به تصویب ستاد مقابله با کرونا رسیده و در تیرماه امسال ابلاغ شده است، موجب افزایش اختلافات میان مالک و مستاجر شده است. موضوع الزام موجران به توافق با مستاجرانی که قصد جابه‌جایی ندارند و تعیین سقف مشخص برای افزایش اجاره‌بها که توسط ستاد ملی مقابله با کرونا در ابتدای تابستان امسال به تصویب رسید، به هشت علت به اختلافات میان موجران و مستاجران دامن زده و معادله باخت-باخت در بازار اجاره را رقم زده است. مصوبه‌ای که با هدف حمایت از مستاجران وضع شده با توجه به مشکلاتی که برای برخی از موجران به دنبال داشته، نه تنها پای موجر و مستاجر را به محاکم قضایی باز کرده و به اتلاف وقت و انرژی آنها و تحمیل هزینه به دستگاه قضایی منجر شده است، بلکه در میان مدت نیز هر دو گروه از این تصمیم متضرر خواهند شد؛

چراکه از یکسو موجر تمایل به تمدید قرارداد با مستاجر قبلی را از دست داده و در اولین فرصت ممکن که شرایط شیوع کرونا برطرف شود، درصدد درخواست از مستاجر برای ترک ملک برمی‌آید و از طرفی ممکن است حتی به دلیل مصائب ناشی از اجاره‌داری در سالی که گذشت، به کلی از عرضه ملک خود در بازار اجاره منصرف شود که این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز کاهش عرضه و تاثیر سوء بر وضعیت قیمت‌ها در بازار اجاره‌بها باشد. به این ترتیب مستاجر نیز در مواجهه با کمبود عرضه و رشد قیمت در بازار اجاره متضرر خواهد شد و یک معادله باخت-باخت رقم می‌خورد. در بند نهم مصوبه ستاد ملی مقابله با کرونا این‌طور آمده است: «با عنایت به شرایط اقتصادی تحمیلی بر کشور ناشی از شیوع ویروس کرونا و همچنین تحریم‌های ظالمانه و با لحاظ ضرورت حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، کلیه قراردادهای اجاره مربوط به املاک مسکونی استیجاری که تا تاریخ ۸ تیر ۹۹ هنوز تمدید نشده است، در صورت عدم توافق بین طرفین و تمایل مستاجر تا سه ماه پس از اعلام رسمی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نسبت به پایان شیوع کرونا و اتمام شرایط اضطراری تمدید می‌شود. حداکثر افزایش اجاره‌بها یا مبلغ رهن برای شهر تهران تا ۲۵ درصد، کلان‌شهرهای دیگر (مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، کرج، اهواز، قم و کرمانشاه) تا ۲۰ درصد و سایر شهرهای کشور تا ۱۵ درصد خواهد بود.» همچنین براساس تبصره‌های این مصوبه، موجر تنها در صورتی که ملک خود را بفروشد، می‌تواند با در نظر گرفتن مهلت دو ماهه به قرارداد اجاره با مستاجر پایان دهد. افزون بر این اگر مستاجر نیز به تکالیف خود در ماه‌های پیش عمل نکرده باشد و موجب تضعیف حقوق موجر شده باشد، این امکان وجود دارد که موجر قرارداد مذکور را تمدید نکند و مشمول الزام به تمدید نشود. این مصوبه از دیدگاه بسیاری از کارشناسان حقوقی با سه قانون مصوب کشور از جمله اصولی از قانون اساسی، موادی از قانون مدنی و موادی از قانون موجر و مستاجر مغایر است و این مغایرت به شکلی است که برخی کارشناسان حقوقی از آن به «رد صلاحیت و پایان اعتبار قانون روابط بین مالک و مستاجر» یاد می‌کنند. از طرفی باز گذاشتن زمان اعتبار قانون و منوط کردن اتمام اجرای آن به گذشت سه ماه از برقراری وضعیت سفید در کشور به لحاظ شیوع کرونا، در شرایطی مطرح شده که سازمان بهداشت جهانی زمان احتمالی تولید واکسن کرونا را نیمه سال ۲۰۲۱ میلادی اعلام کرده است. این تعارضات همچنین رسیدگی‌کنندگان به اختلافات موجر و مستاجر را دچار شبهه کرده است.

• تعدیل قضایی

وقتی که نه خود طرفین قرارداد و نه قانونگذار، صریحاً تعدیل قرارداد را پیش‌بینی نکنند در این صورت ممکن است دادرس با استفاده از قواعد مورد قبول نظام حقوقی یا با تفسیر اراده طرفین و ... اقدام به تجدید نظر در مفاد قرارداد نماید، و این امریست که از آن تعبیر به «تعدیل قضایی قرارداد» یاد می‌شود. اما سوالی که در این روش از تعدیل قرارداد به وجود می‌آید این است که اساساً سبب چنین تعهدی چیست؟ زیرا اگر قائل بر این باشیم که به وجود آمدن هر گونه تعهدی در عالم حقوق باید در قالب یکی از اسباب تعهد اعم از سبب قانونی و اعمال حقوقی یا وقایع حقوقی باشد، اینکه مقام قضایی به موجب کدام یک از این اسباب تعهد درصدد ایجاد تعادل مطلوبی که طرفین در حین عقد قصد کرده‌اند می‌باشد و با چه توجیهی بر خلاف اصل آزادی قراردادهای و لزوم آن چنین اقدامی را انجام می‌دهد محل بحث است. چرا که به موجب اصل آزادی قراردادهای که ماده ۱۰ قانون مدنی نیز بر تأکید بر آن وضع گردیده است، قراردادهای فی مابین طرفین به منزله قانون حاکم بر روابط آنها می‌باشد. قانونی که با هیچ تفسیر و تأویلی قابل عدول نیست و طرفین با هیچ توجیهی مجاز به تغییر یک جانبه آن نیستند و تنها اراده مشترک طرفین در حین انعقاد عقد یا در جریان اجرای آن می‌تواند عامل تغییر و تحول در مفاد آن گردد، که البته همین اختیار نیز برخاسته از حاکمیت اراده آنها می‌باشد، و وقتی قانونگذار آگاه نیز جزء در مواردی که اختیار و اراده آزاد طرفین باعث اختلال در نظم عمومی یا خسارت جبران ناپذیر به یکی از آنان می‌شود، نمی‌تواند بر روابط قراردادی اشخاص ورود کند قاضی نیز نمی‌تواند به استناد به این که در مقام تفسیر قرارداد است چنین حقی را راساً برای خود قائل باشد که به عنوان یک سبب مستقل دست به تعدیل قرارداد بزند. بلکه باید در چارچوب قانون و قواعد و اصول حقوقی به اختلاف طرفین رسیدگی کند. اما علیرغم این محدودیت‌ها در پاره‌ای از موارد قضات با تفسیر قرارداد و اراده دو طرف عقد اقدام به ایجاد تعدیل قرارداد می‌نمایند و یکی از نویسندگان در تعریف این روش گفته است: تعدیل قضایی که در امکان آن گفتگو و تردید فروان است، به موردی گفته می‌شود که دادرس با استناد به شرایط ضمنی یا برای جلوگیری از بی عدالتی یا ضرر یکی از دو طرف مفاد قرارداد را تعدیل و متناسب با شرایط می‌سازد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۷۳)

در این تعریف نویسندگان درصدد بیان این مطلب بوده که اولاً قاضی به موجب شرط ضمنی یعنی شرطی که طرفین در حین عقد مبنی بر در نظر داشتن برابری نسبی تعهدات، داشته‌اند اقدام به تعدیل می‌نماید، ثانیاً برای جلوگیری از ضرر و بی عدالتی دست به چنین اقدامی می‌زند که البته عده‌ای از حقوقدانان معتقدند دلیل اول یعنی مبناء قرارداد شرط ضمنی طرفین در حین عقد، در واقع به نوعی تعدیل قرارداد است اصولاً در صورتی که طرفین به هنگام انعقاد قرارداد، شرایطی را در جهت دگرگونی تعهدات خود در نظر داشته باشند تعدیل از نوع قراردادی است و تفاوتی در این که این پیش‌بینی در متن عقد آمده باشد یا به طور ضمنی مورد نظر طرفین قرارداد بوده وجود ندارد. (بیگلری، ۱۳۸۸: ۲۸) یکی دیگر از حقوقدانان در تعریف این روش از تعدیل قرارداد گفته است: «اگر قانونگذار به موجب یک حکم کلی و به عنوان یک قاعده، به قاضی اجازه تجدید نظر در قراردادی که تعادل آن بر اثر یک حادثه غیر قابل پیش‌بینی به هم خورده است را بدهد، از نوع تعدیل قضایی است» (حسین آبادی، ۲۰۷). بنابر تعریف فوق تعدیل قضایی هنگامی محقق می‌شود که قانونگذار، هرچند به طور کلی، اما اجازه تجدید نظر در قرارداد را به قاضی اعطاء کرده باشد. یکی دیگر از حقوقدانان نیز در خصوص این تعریف ایرادی را وارد دانسته است، با این توضیح که شکل‌گیری تعدیل قضایی تنها محدود به پیش‌بینی قانونگذار نیست، گاه بی آنکه حکمی کلی مبنی بر تعدیل قرارداد در قانون باشد، رویه قضایی با استنباط از مواد پراکنده که در موضوعات مرتبط مورد پیش‌بینی قانونگذار قرار گرفته است یا با استفاده از روح حاکم بر مواد مختلف، اقدام به تعدیل قضایی قرارداد می‌کند، هم چنان که این وضعیت در حقوق آلمان، سوئیس، اسپانیا و غیره دیده می‌شود. همین نویسندگان در تعریفی که خود از این نهاد ارائه داده تعدیل قضایی را چنین تعریف نموده است: تعدیلی که قاضی به استناد حکمی که در قانون آمده و به او چنین اختیاری داده و یا با استنباط از مواد مختلف قانونی یا قواعد حقوقی پذیرفته شده، مفاد قرارداد منعقد بین افراد را پس از نابرابر شدن تعهدات آنها در اثر حوادث غیرقابل پیش‌بینی، مورد بازبینی و تغییر قرار می‌دهد. عده‌ای دیگر از حقوقدانان نیز این روش از تعدیل را با توجه به نظریه عدم پیش‌بینی قابل توجیه می‌دانند و معتقدند که گاه، اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد در نتیجه حوادثی غیر قابل پیش‌بینی و نامنتظر، چنان دگرگون می‌شود، به گونه‌ای که در صورت احتمال آن، هیچ متعاقد متعارف و دور اندیشی به آن رضایت نمی‌دهد. در چنین صورتی به نظر می‌رسد عدالت معاوضی اقتضاء دارد مفاد عقد تغییر یابد، یا امکان فسخ یا باز بینی در آن فراهم گردد. در چنین حالتی است که نظریه عدم پیش‌بینی، به قاضی

اجازه می‌دهد تا با شیوه مناسب در قرارداد دخالت نموده، نابرابری به وجود آمده را جبران نماید. آنچه که باید به آن توجه داشت این است، در کلیه تعاریف ذکر شده نویسندگان درصدد توجیه تعدیل قرارداد به وسیله مقام قضایی بوده‌اند، در صورتی که با اندکی تأمل متوجه خواهیم شد، اصرار بر این مطلب با توجه به ظرفیت حقوق ایران، حال چه در چارچوب نظریه شرط ضمنی یا پذیرفتن این امر که قانون به قاضی تفویض اختیار می‌کند و استنباط از سایر قوانین حقوقی امری بیهوده می‌باشد چرا که: اولاً؛ اختیار قاضی در اعمال تعدیل در عقد، در زمره هیچ کدام از اسباب تعهد قرار نمی‌گیرد. ثانیاً؛ به هر شکل که بخواهیم تعدیلی که توسط قاضی صورت می‌گیرد را توجیه نماییم باز هم به تعدیل قانونی یا قراردادی باز می‌گردیم چرا که بر فرض مثال تعدیلی که قاضی بر یک قرارداد اعمال می‌کند را در واقع عمل به شرط ضمنی بدانیم که طرفین در حین عقد بر آن توافق داشته‌اند، همان تعدیل قراردادی محقق گردیده چرا که به نوعی توافق ضمنی طرفین احراز گردیده و هم چنین اگر معتقد باشیم که قاضی بر حسب اختیاری که قانونگذار صریحاً به او داده است یا بر اساس استنباط خود از روح احکام اقدام به تعدیل قرارداد نموده باز هم نوعی تعدیل قانونی صورت گرفته است. ثالثاً؛ اینکه برای تعدیل قرارداد می‌توان یک تقسم بندی دیگری را نیز از این حیث که توسط چه کسانی می‌تواند اعمال شود قائل شد، که بر همین اساس می‌توان گفت که تعدیل قرارداد یا توسط طرفین عقد و یا توسط ثالث و یا در مواردی که منجر به بروز اختلاف شود، توسط قاضی می‌تواند اعمال گردد بنابراین این مطلب نباید با شیوه‌ها و به عبارت دیگر مبانی تعدیل خلط مبحث شود.

• تعدیل قانونی

وقتی که بیان می‌شود «تعدیل قانونی قرارداد»، اولین نکته‌ای که به ذهن متبلور می‌شود، این می‌باشد که بعضاً اراده مقنن نیز در برگرداندن توازن از دست رفته عقد حاکم می‌شود و این خود بیانگر اهمیت این نهاد در نزد قانونگذار می‌باشد که با صدور مجوز چنین عملی در واقع دو اصل انکار ناپذیر و اساسی در زمینه قواعد عمومی قراردادها یعنی اصل لزوم قراردادها و حاکمیت اراده را تخصیص می‌زند و برای پاسخ به چرایی آن و اینکه چرا قانونگذار علیرغم پیوند اراده‌های طرفین، در محدوده تراضی و توافق آنها ورود پیدا می‌کند، به بررسی مواردی مشابه می‌پردازیم که در آنها اراده قانون بر اراده طرفین حاکم می‌گردد. به عنوان مثال، انحلال عقد به موجب انفساخ که یکی از ابزارهایی است که به موجب آن عقد منفسخ

می‌شود و زمانی از انحلال عقد سخن به میان می‌آید که عقد، بر حسب مفاد خود، جایی برای اجرا داشته باشد، ولی سبب ویژه‌ای آن را بی اثر کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۲) اما گاه این انحلال به موجب دو اراده صورت می‌گیرد که به آن تفاسخ یا اقاله می‌گویند و گاه به موجب یک اراده که به آن فسخ یا اعمال خیار توسط یکی از طرفین عقد می‌گویند و در جایی نیز انحلال به صورت قهری تحقق پیدا می‌کند به عبارت دیگر خود به خود انجام می‌پذیرد و اراده طرفین یا یکی از آنها در وقوع انحلال دخالتی ندارد، مانند انحلال بیع در نتیجه تلف مبیع پیش از تسلیم آن به خریدار (ماده ۳۸۷ قانون مدنی) و انحلال اجاره در اثر تلف عین مستأجره، انحلال قهری را در اصطلاح انفساخ می‌نامند، انفساخ که ناشی از حکم قانونگذار است، خواه از تحلیل حکم چنین بر آید که اراده مفروض وضعی دو طرف اجرا می‌کنند (مانند قاعده تلف مبیع پیش از قبض) یا هدف آن تامین پایه تراضی و پایگاه اراده در ذهن می‌باشد، مانند انحلال همه قراردادهای جایز به ویژه امانی در صورت فوت یا حجر یکی از دو طرف آن. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

بنابراین، یکی از دلایلی که قانونگذار در مواردی بر اراده مشترک طرفین عارض می‌گردد این است که متعاقبین یا حد اقل یکی از آنها از اراده مفروض در ذهن خود دور شده و قانونگذار نیز به عنوان یکی از اسباب تعهد انکار ناپذیر که به عقیده برخی از حقوقدانان در دسته وقایع حقوقی قرار می‌گیرد، وظیفه خود دانسته که بر موضوع و اراده طرفین ورود پیدا کرده و حسب مورد عقد را منفسخ یا تعدیل نماید. اما دلیلی دیگر این می‌تواند باشد که قانونگذار در مواردی هم بنا بر مصالح اجتماعی و منافع عمومی دست به چنین اقداماتی می‌زند، به طور مثال، در خصوص نقل و انتقال اموال غیر منقول در ماده ۲۲ قانون ثبت مصوب ۱۳۱۰/۱۰/۲۶ مقرر شده است: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید، دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز در دفتر املاک به ثبت رسیده و یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت». مطابق این ماده علیرغم اینکه اراده دو طرف عقد مبنی بر انتقال مال غیر منقول به طرف دیگر (خریدار) می‌باشد و خریدار نیز به محض وقوع عقد بیع با توجه به آثار این عقد به موجب انتقال مالکیت، مالک مال غیر منقول محسوب می‌شود، اما قانونگذار بنا به مصالح اجتماعی و نظم عمومی و از همه مهمتر مدیریت بر این نوع از معاملات (اموال غیر منقول) بر اراده دو طرف عقد عارض

می‌گردد و تنها کسی را مالک می‌شناسد که ملک به اسم او ثبت شده و یا به او انتقال پیدا کرده و این انتقال در دفتر املاک به ثبت رسیده و یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد. بنابراین تعدیل قرارداد به روش قانونی بیانگر این مفهوم می‌باشد که در شرایطی که ایفای تعهدات قراردادی توسط یکی از طرفین عقد به دلایلی از جمله تغییر در شرایط و اوضاع و احوال حین انعقاد عقد با دشواری روبرو شود به گونه‌ای که تعهدی گزاف را بر او تحمیل نماید که خارج از استاندارد و نورم معاملات معوض می‌باشد و طرفین نیز پیش‌بینی خاصی در خصوص تعدیل قرارداد ننموده اند، قانونگذار مانند سایر مواردی که بر اراده مشترک طرفین نفوذ می‌کند، اولاً در جهت رساندن یا حداقل نزدیک کردن آنها به مقصد اصلی قرارداد به عنوان سببی قهری در ایجاد الزامات، طرفین را هدایت کرده تا عدالت مجدداً بر قرارداد سایه گستراند، ضمن اینکه ماهیت اصلی قانونگذاری یعنی حفظ نظم عمومی و تأمین مصالح اجتماعی و علاوه بر آن تنظیم روابط افراد با یکدیگر نیز می‌طلبد که در موارد لزوم قانونگذار با در نظر گرفتن تمهیداتی در روابط قراردادی فی ما بین طرفین نظارت کند. در مواردی که یا صراحتاً موجبات تعدیل قرارداد در قانون وجود دارد و یا اینکه قانونگذار مجوز آن را به طرفین و در موارد بروز اختلاف به قاضی می‌دهد که اقدام به تعدیل قرارداد نمایند، و این توازن که در روند اجرای قرارداد به موجب قانون به وجود می‌آید را تعدیل قانونی می‌گویند.

بخش سوم: تاثیر ویروس کرونا بر خاتمه و انحلال قرارداد

از جمله اثرات ویروس کرونا بر قراردادها به صورت خاتمه و انحلال قراردادها ظهور و بروز می‌کند که برای این موضوع، ابتدا راهکارهایی برای جلوگیری از انحلال قراردادها را بررسی می‌کنیم و سپس به بررسی تغییر بنیادین اوضاع و احوال قراردادها در دوران کرونا خواهیم پرداخت. پس از آن سخت شدن اجرای قرارداد به واسطه کرونا را نیز بررسی می‌کنیم.

بند اول: راهکارهایی برای جلوگیری از انحلال قراردادها در دوران کرونا

در خصوص اینکه برای جلوگیری از انحلال کلی قراردادها در دوران کرونا چه راهکارهایی می‌توان ارایه کرد، باید گفت که اولاً در این قسمت هدف این نیست که با این راهکارها مشکلات ناشی از کرونا را در تعهدات حل و فصل نماییم، ثانیاً اینکه راهکارهای مورد اشاره صرفاً برای رفع موقت مشکل کرونا و برای

این است که حتی المقدور اصل قرارداد حفظ شود و منحل نشود، ولی با شرایط خاص کرونا در آن تغییراتی ایجاد شود. بنابراین در این خصوص می‌توان پیشنهاد داد که توافق جدیدی با توجه به شرایط جدید میان طرفین تعهد و قرارداد صورت پذیرد، بدین ترتیب که به جای منحل کردن کل قرارداد که شاید خسارت بیشتری را به طرفین تحمیل کند، این امکان برای طرفین ایجاد شود که در قرارداد جرح و تعدیل داشته باشند و آن را از نظر زمان یا نوع تعهد تغییر دهند. راهکار دیگر تمدید مهلت قرارداد در قراردادهایی است که در آنها عنصر زمان، نقش کلیدی ایفا می‌کند. به این ترتیب می‌توان به جای منحل کردن اصل و کل قرارداد که ممکن است سبب بروز دشواری‌های دیگر شود، طرفین مدت زمان ایفای قرارداد را با توافق همدیگر تمدید کنند. راهکار دیگر استفاده از ظرفیت تعدیل قرارداد قانونی، قضایی و قراردادی است که به واسطه این نوع از تعدیل‌ها، هرچند شرایط قراردادها تغییر می‌کند، اما لاقلاً مشکلی از بابت اینکه اصل قرارداد منحل شود ایجاد نخواهد شد. راهکار دیگر توقف قرارداد به صورت موقت است، در این خصوص توضیح لازم است که با توجه به ادامه‌دار بودن ویروس کرونا و شرایط خاص آن، ولو با وجود واکسن، نمی‌توان شرایط کرونا را یک دوره موقت و منحصر به بازه زمانی خاصی تلقی نمود و از توقف قرارداد استفاده کرد، اما برای جلوگیری از انحلال قرارداد، می‌توان ایام کرونا را به شرایط نرمال کرونایی و شرایط مربوط به ایام پیک و اوج کرونا تقسیم بندی کرد و برای جلوگیری از انحلال قرارداد، در ایام اوج گیری ویروس در منطقه یا شهر، از راهکار توقف قرارداد استفاده کرد. راهکار دیگر استفاده از علوم و فنون روز و تکنولوژی‌های پیشرفته برای دور زدن شرایط ناشی از کرونا و فورس مازوری آن است. این امکانات در بسیاری از موارد به واسطه برطرف کردن شروط ضروری برای تحقق فورس مازور، وضعیت را از یک حالت فورس مازور به وضعیت عادی تبدیل می‌کند و اصولاً بهانه‌های لازم برای انجام ندادن تعهدات یا تعلیق قرارداد یا سقوط تعهد به واسطه وجود شرایط فورس مازور را ساقط کرده و حالت طبیعی و عادی را بر قرارداد یا توافقات حاکم می‌سازد. بر اساس مطالعات صورت گرفته، تغییر ناگهانی شرایط، مقدور نبودن انجام تعهد، زایل شدن صرفه اقتصادی، تحمیل هزینه سنگین و گزاف خارج از عرف تجاری معقول، بروز حادثه‌ای که ادامه تعهد را غیر ممکن کند، پیش آمدن اوضاع و احوالی که با توسل به معیار نوعی هیچ فرد عاقل و بالغی با علم به این اوضاع و احوال، حاضر به ادامه چنین معامله‌ای نبوده است، غیر عملی شدن اجرای تعهد به لحاظ فیزیکی و ... از جمله شرایطی هستند که منجر به بروز وضعیت فورس مازور می‌شوند. حال سوال بزرگی که در این مقطع شکل می‌گیرد این

است که اگر یافته‌های فنی و مهندسی بتوانند تغییر ناگهانی شرایط را کنترل کنند یا انجام تعهد را به لحاظ پیشرفت فنی و مهندسی مقدور کنند یا عملیات را از نظر زمانی و اقتصادی با صرفه‌جویی پیش ببرند، به نحوی که هزینه از سنگینی و گزافی خارج شود، یا اجرای فیزیکی تعهد را مقدور سازند، آیا باز هم می‌توان دستگاه قضایی را مجبور به پذیرش فورس مازور و سقوط و انحلال قراردادها کرد یا اینکه یافته‌های فنی و مهندسی و تکنولوژی به واسطه تاثیر شگرف خود در مفهوم فورس مازور تفسیر جدیدی به دستگاه قضایی دیکته خواهد کرد؟ به نظر می‌رسد یافته‌های فنی و مهندسی و تکنولوژی می‌توانند تفسیر دستگاه قضایی و حتی طرفین قراردادها و معاهدات را از فورس مازور تغییر داده فلذا وضعیت را به حالت عادی تغییر دهند و طرفین نیز با عادی شدن شرایط ناچار به انجام وظایف قراردادی خواهند بود والا با ضمانت اجرا روبرو خواهند شد. همین وضعیت ممکن است برای وضعیت کرونا نیز بروز داشته باشد، مثلاً اگر کرونا باعث توقف کار کارخانه و در نتیجه عدم تحویل کالای مورد توافق در قرارداد شده است، ممکن است استفاده از تجهیزات جدید تهویه، به کارگیری واکسن مرغوب تر، انتقال خط تولید کارخانه به فضای باز، تجهیزات تشخیص تب و علائم نخستین بیماری برای حفاظت از جان سایر کارگران و نظایر آن، می‌تواند در از بین بردن شرایط فورس مازور کرونایی کمک کرده و وضعیت را عادی سازی کند و از انحلال کلی قرارداد جلوگیری نماید.

بند دوم: تغییر بنیادین اوضاع و احوال قرارداد به واسطه کرونا

اصل ثبات قراردادها، امروزه در اغلب نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. اصل حاکمیت اراده اقتضا می‌کند که مفاد تراضی همواره لازم‌الاجرا باشد و هیچ‌یک از طرفین قرارداد نتواند با تخطی از قصد مشترک، از اجرای تعهدات ناشی از عقد یا معاهده خودداری کند. با این وجود، نمی‌توان اصل ثبات را همواره به عنوان یک قاعده مطلق دانست. زیرا عدم رعایت این اصل در شرایط خاصی مجاز دانسته شده است. لذا چنانچه تغییر بنیادین اوضاع و احوال، تعادل قراردادی را به صورت اساسی بر هم زند، در این صورت تعدیل یا فسخ قرارداد یا معاهده، جایگزین حکم اولیه که همان التزام به مفاد قرارداد یا معاهده است، می‌گردد. (جلالی، ۱۳۸۹: ۱۴۵). بنابراین اگر بروز و ظهور ویروس کرونا در جهان را مصداقی از مصادیق ایجاد کننده تغییر بنیادین در اوضاع و احوال قرارداد تلقی کنیم، می‌توان با استفاده از آن، اصل

ثبات قراردادهای را در ایام حاد کرونایی، با استثناء روبرو کرده و مجالی برای اجرایی شدن تعدیل یا فسخ فراهم کنیم.

بند سوم: سخت شدن اجرای قرارداد به واسطه کرونا

شیوع یک بیماری مانند بسیاری دیگر از حوادث طبیعی و انسانی می‌تواند بسیاری از ابعاد و حوزه‌های مختلف را در سطح جهانی تحت تأثیر قرار دهد، عرصه‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، ورزشی و ... گاه چنان از این اتفاقات و حوادث تأثیر می‌پذیرند که بازگشت امور آنها به روال عادی سالیان متمادی زمان می‌برد. شیوع ویروس کووید-۱۹ (بیماری کرونا) از اواخر سال ۲۰۱۹ میلادی در کشور چین و سپس در بسیاری از نقاط دنیا چنین وضعیتی را در سطح ملی و جهانی پدید آورد و روابط افراد بشر را در سطوح و حوزه‌های مختلف به چالش کشید؛ به گونه‌ای که متخصصین هر حوزه برای عادی نمودن اوضاع و احوال سعی و کوشش مقتضی نمودند. در این میان، حقوقدانان با موضوعیت قراردادن این بیماری، به منظور گام نهادن در مسیر هدف تنظیم روابط اشخاص در جامعه دست به کار شده و سعی نموده‌اند حوزه‌هایی را که نیازمند دخالت ایشان برای حل و فصل روابط مختلف حقوقی است، با عنایت به تخصص خود سامان و حتی‌الامکان اختلافات احتمالی آنی را کاهش دهند. از جمله حوزه‌های متأثر از شیوع بیماری کرونا، حوزه «قراردادها» است، قراردادهای فراوانی که در سطوح داخلی و بین‌المللی پیش از بروز این اتفاق منعقد شده بودند، هنگام اجرا (ایفای تعهدات) با مانع بیماری کرونا روبه‌رو شدند؛ بدین صورت که بسیاری از تعهدات قراردادی یا تماماً اجرا نشد، یا اجرای آنها ناقص و به گونه‌ای نامطلوب (به حال متعهدله قراردادی) انجام شد و یا اینکه با تأخیر قابل توجهی اجرا گردید. امری که سبب فتح باب «عدم اجرای تعهدات قراردادی» شد و این سؤال را مطرح نمود که رابطه حقوقی فعلی طرفین را چگونه باید حل نمود؟ آیا عدم اجرای مزبور موجه است و باید ذیل معاذیر موجه آن را تفسیر و تعبیر کرد یا از باب ناموجه بودن باید در مسیر تبیین نقاط مسئولیت مدنی قراردادی و چگونگی جبران خسارت واقعی گام برداشت؟ برای مثال پیمانکاری را تصور نمایید که به لحاظ شیوع بیماری کرونا و محدودیتی که این بیماری ایجاد نموده است، نمی‌تواند تعهد اصلی خود را ذیل قرارداد ساخت، بهره‌برداری و واگذاری ظرف موعود تعیین شده در قرارداد ایفا نماید، چرا که بیماری مزبور اجازه حضور و تجمع کارگران در محل ساخت را نمی‌دهد. یا شخص تاجری که مکلف به تحویل

کالای موضوع قرارداد در موعدی معین در کشوری دیگر است، به لحاظ شیوع بیماری کرونا و ممنوعیت یا محدودیت شدید هرگونه حمل و نقل بین‌المللی از ایفای این تعهد عاجز می‌ماند. یا باشگاه فوتبالی را تصور نمایید که به لحاظ ممنوعیت انجام بازی‌های ورزشی ناشی از شیوع کرونا، درآمد عادی ناشی از حضور تماشاگران و حق پخش تلویزیونی را از دست می‌دهد و با ادامه‌دار شدن این وضعیت نمی‌تواند تعهدات خود را در قبال پرداخت دستمزد به بازیکنانی که با آن باشگاه قرارداد دارند، ایفا نماید. در نگاه اول به نظر می‌رسد که تعهدات قراردادی که معلول چنین مانعی (شیوع بیماری کرونا که از سوی سازمان بهداشت جهانی با اعلام وضعیت پاندمی گزارش می‌شود) اجرا نمی‌شود، نوعی عدم اجرای موجه یا قانونی و مشروع است و متعهد قراردادی در وهله اول ذیل ارکان مسئولیت مدنی قراردادی، تکلیفی به جبران خسارت ندارد. حقیقت آن است که هر دو مانع موجه اجرای تعهدات قراردادی (تعذر و تسر) ویژگی‌های مشترکی دارند که این ویژگی‌ها در وضعیت ناشی از شیوع بیماری کرونا موجود است؛ اولاً، شیوع چنین بیماری با سرعت خاصی که در سطح جهانی مشاهده می‌شود، کاملاً خارجی جلوه می‌نماید و در حدود اراده هیچ یک از متعهدین قراردادی نمی‌گنجد. ثانیاً، این بیماری و شیوع سریع آن، به خصوص در لحظات اولیه شناخت و انتشار آن در سطوح داخلی و بین‌المللی نوعاً برای افراد بشر قابل پیش‌بینی نبوده و امکان پیش‌بینی شرایط آن هنگام انعقاد قرارداد و لحاظ نمودن آن بر اجرای تعهدات وجود نداشته است. شاید این ویژگی در غالب بیماری‌های ویروسی این چنینی وجود داشته باشد. ثالثاً، وضعیت فعلی مقابله کشورهای با این بیماری و تلاش حداکثری به منظور دستیابی به واکسن مربوطه، به لحاظ قدرت و سرعت سرایت این نوع از ویروس، مهمترین دلیل بر عدم قابلیت کنترل آن یا غلبه بر آن باشد. (نیازآبادی و انصاری، ۱۳۹۶: ۴۷۸) وقتی دولت‌ها با حداکثر امکانات موجود توان اجتناب از این بیماری یا غلبه بر آن را در کوتاه مدت ندارند، بدیهی است که اشخاص حقیقی و حقوقی که به عنوان متعهد قراردادی، باید تعهد خود را ظرف مهلت معینی ایفا نمایند، نمی‌توانند این مانع را کنترل نمایند. لذا متعهد قراردادی می‌ماند و مانعی که جمیع سه ویژگی مذکور را دارد و علت اصلی عدم اجرا (در معنای عام) تعهدات می‌شود. به نظر می‌رسد که با جمع شدن این سه ویژگی در شیوع بیماری کرونا به عنوان یکی از موانع اجرای تعهدات قراردادی، قدر متیقن می‌توان مانع مزبور را در ردیف موانع موجه اجرای تعهدات

قراردادی آورد و از این حیث بحثی حول مسئولیت مدنی قراردادی و چگونگی جبران خسارت واقعی به عمل نمی‌آید.

بند چهارم: انواع انحلال قرارداد به واسطه بروز ویروس کرونا

انحلال قراردادها به واسطه کرونا نیز در دو صورت فسخ و تفاسخ بروز می‌کند که به آنها نیز خواهیم پرداخت.

• فسخ

عده‌ای از فقها در وضعیتی که اجرای تعهد منجر به متعسر شدن یا متعذر شدن متعهد از انجام تعهد می‌شود، مانند بروز شرایط کرونا، نظر بر فسخ عقد مزبور داشته و تسلط بر فسخ برای کسی که از اجرای مفاد عقد دچار ضرر غیر متعارف و حرج و مشقت بی اندازه می‌گردد از کلام ایشان پیدا است. (میرزای قمی، ۱۳۷۱: ۳۰۶) مبنای خیار فسخ را فقها بر پایه حکومت اراده و مفاد تراضی یا جبران ضرر ناروا و اجرای عدالت اجتماعی تحلیل کرده‌اند. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۵۷) آنچه از کلام فقها مستفاد می‌گردد، تسلط متعهد بر فسخ است. متعهده‌ای که طی یک قرارداد ملتزم به انجام کار معینی شده است در صورت بروز حادثه‌ای غیر مترقبه و مشکل شدن اجرای تعهد و یا ضرری شدن آن می‌تواند قرارداد را فسخ و یا با همان شرایط و تحمل مشقت و ضرر به تعهد خود عمل کند. شیخ طوسی در مبسوط، قائل به الزام متعهد به انجام تعهد است ولو انجام تعهد با مشقت همراه باشد. (طوسی، ۱۳۸۸: ۲۳۷) اما فقهای دیگر قائل به انفساخ عقد و یا خیار فسخ برای شخصی که از قرارداد مذکور در مشقت و یا حرج قرار گرفته و یا متضرر شده است می‌باشند. فسخ ویژه عقود لازم است و عقود جایز را در بر نمی‌گیرد، قانون مدنی نیز در تأیید این نظر بیان داشته است که «عقد جایز را هریک از دو طرف به دلخواه می‌تواند فسخ کند» (ماده ۱۸۶ ق.م.؛ فسخ با یک اراده تحقق می‌یابد و ناظر به آینده است، ولی چهره استثنایی ندارد. طبیعت عقد چنان است که دو طرف را پایبند نمی‌کند و برای بر هم زدن آن نیاز به اختیار ویژه قراردادی یا قانونی نیست. چنانکه، در وکالت، وکیل می‌تواند هرگاه بخواهد استعفا دهد و این اقدام هیچ مسئولیتی برای او به بار نمی‌آورد. موکل نیز حق دارد وکیل را عزل کند یا کاری را که به او سپرده است خود انجام دهد، بدون اینکه تقصیری کرده باشد (ماده ۶۷۸ ق.م). در چنین قراردادی، بحث در این است که چگونه می‌توان این

اختیار مطلق را محدود کرد و تا چه اندازه دو طرف می‌توانند خود را پایبند به عقد سازند (ماده ۶۷۹). گفتگو از قلمرو و اختیار فسخ و چگونگی اجرای آن بیهوده است و از فسخ قرارداد در آنها سخنی به میان نمی‌آید. بر عکس، در عقد لازم، بر هم زدن عقد، امری است نامتعارف و خلاف اصل. اصولاً پیمان شکنی گناه و تقصیر است و نیاز به مجوز قراردادی و قانونی ندارد. پس، این سوال همیشه مطرح است که آیا مدعی فسخ عقد اختیار آن را دارد یا باید ملتزم به عقد باقی بماند؟ دخالت دادگاه نیز برای پاسخ گویی به همین سوال است، وگرنه، در حقوق ما فسخ عملی قضایی نیست و با اراده صاحب «خیار» صورت می‌پذیرد و دادگاه اعلام می‌کند مدعی خیار فسخ داشته است یا نه؟. از این رو است که فسخ عقد از تاریخ اعلام اراده صاحب حق واقع می‌شود نه از تاریخ تأیید دادگاه. بدین ترتیب، از این پس هر جا سخن از فسخ عقد شود، مقصود عقد لازم است؛ جایی که حرزی شکسته می‌شود و التزامی در هم می‌ریزد. (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۴۹) بنابراین در صورت پذیرفتن این نظر و با فرض اینکه فسخ را یکی از آثار تعدیل عقد در نظر داشته باشیم، باید اذعان داشت که این اثر شامل عقود جایز نمی‌باشد و صرفاً عقود لازم را در بر می‌گیرد. اما فارغ از اینکه فسخ اختصاص به عقد لازم دارد یا جایز باید این نکته را در نظر داشت که فسخ نیز یکی از طرق انحلال قرارداد محسوب می‌شود، که با تعدیل به عنوان عملی که در راستای ایجاد توازن در عقد صورت می‌گیرد در ماهیت خود در تضاد است، بنابراین وقتی این عمل حقوقی را نمی‌توان به عنوان یکی از طرق تعدیل عقد محسوب کرد به تبع آن نیز نمی‌توان در زمره آثار تعدیل نیز قرار داد.

• تفاسخ

تفاسخ همان اقاله است که با موافقت دو اراده به وجود می‌آید. در تفاسخ نیازمند دو اراده هستیم بر عکس فسخ که ایقاع است و صرفاً با یک اراده محقق می‌شود. در نتیجه می‌توان چنین مفروض داشت که در صورت بروز و ظهور شرایط خاص ناشی از ویروس کرونا، طرفین تعهد و قرارداد با توافق طرفینی و دو جانبه تعهد و قرارداد را برای جلوگیری از ورود ضرر بیشتر توانمند فسخ نمایند.

• انفساخ

در فقه امامیه و نظام حقوقی ایران نیز اجمالاً با تکیه بر قواعدی چون «کل مبیع تلف قبل قبضه فهو من مال بائعه» و «بطلان کل عقد لتعذر الوفاء بمذلوله» و مادتین ۲۲۷ و ۲۲۹ قانون مدنی و جمع شرایطی چون خارجی، غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اجتناب بودن برای مانعی که اجرای قرارداد را غیرممکن می‌سازد، تعذر اجرای تعهدات قراردادی محقق شده و حکم به انفساخ قرارداد و عدم مسئولیت متعهد قراردادی مورد پذیرش قرار گرفته است. بنابراین اگر مانعی خارجی (خارج از اراده) در مسیر اجرای تعهدات قراردادی پیش آید که نوعاً برای متعهد غیرقابل پیش‌بینی است و وی با توجه به شرایطی که دارد، نتواند مانع مزبور را کنترل نماید یا از آن اجتناب و بر آن غلبه کند. نتیجه نهایی مانع مزبور آن است اجرای تعهدات قراردادی برای متعهد، «محال» و «غیرممکن» می‌گردد، فارغ از اینکه اثر این مانع در نظام‌های حقوقی مختلف بر قرارداد و رابطه حقوقی طرفین چه باشد، می‌توان گفت که غالباً در فرض وقوع چنین مانعی قرارداد منحل می‌شود و دیگر به حیات خود ادامه نخواهد داد. بنابراین انحلال قهری را در اصطلاح انفساخ می‌نامند، بنابراین انحلال عقد به موجب انفساخ که یکی از ابزارهایی است که به موجب آن عقد منفسخ می‌شود و زمانی از انحلال عقد سخن به میان می‌آید که عقد، بر حسب مفاد خود، جایی برای اجرا داشته باشد، ولی سبب ویژه‌ای آن را بی اثر کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۱۳۲)

نتیجه‌گیری

اساس این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش‌ها شکل گرفته بود که شیوع ویروس کرونا چه اثراتی بر انجام تعهدات قراردادی بر جای گذاشته است و اصولاً بروز پدیده ویروس کرونا سبب دشواری در بروز تعهدات قراردادی شده است یا عاملی برای منتفی شدن اجرای قراردادها تلقی می‌شود و برای خروج از این وضعیت چه تمهیداتی برای اجتناب از عقیم ماندن تعهدات قراردادی در شرایط شیوع کرونا قابل تصور است. در این خصوص یافته‌های پژوهش موید این است که بسته به نوع و موضوع قرارداد و محتوای تعهدات و زمان انعقاد آن، آثار کرونا ویروس بر قرارداد متفاوت خواهد بود. این آثار شامل تعلیق قرارداد، انفساخ قرارداد و ایجاد حق فسخ می‌باشد و با عنایت به شباهت مولفه‌ها و نتیجه ناشی از شیوع این بیماری با معیارهای دشواری در انجام تعهدات قراردادی، وجود پرونده‌های قضایی و همین‌طور

اصول حاکم بر تفسیر قراردادها، شیوع بیماری کرونا از مصادیق دشواری در اجرای تعهدات قراردادی است، لذا اولاً باید گفت که آثار کرونا شامل فسخ، تعلیق، انفساخ خواهد بود و شیوع بیماری کرونا از مصادیق دشواری در اجرای تعهدات قراردادی محسوب می‌شود و از سوی دیگر نیز باید گفت که با توجه به ماهیت متغیر اوضاع و احوال ناشی از شیوع کرونا، پیش‌بینی شاخص‌های اثرگذاری کرونا بر تعهدات قراردادی، از جمله تبیین آستانه‌های شیوع مشخص برای تاثیرگذاری، نقش سیاست‌های دولت بر شیوع اجرای تعهدات قراردادی، امکان تعدیل قرارداد و انطباق آن با اوضاع و احوال از جمله مهمترین تمهیداتی هستند که می‌توانند از عقیم ماندن تعهدات قراردادی اجتناب کنند. یافته‌ها و نتایج پژوهش موید این است که پاندمی کرونا تاثیر بسزایی در حوزه تعهدات قراردادی گذاشته است و به نوعی انجام آنها را با دشواری و تعسر مواجه ساخته است، هرچند که تعذر و مانع جدی برای انجام تعهدات ایجاد نشده است و شرایط آن با تعلیق قرارداد نیز با توجه به عدم توجه قانون مدنی به این موضوع منطبق نیست، اما به هر روی با دشوار شدن اجرای قراردادها و انطباق شرایط ناشی از ویروس با شرایط فورس ماژور، می‌توان با توسل به راهکارهایی نظیر تعدیل قرارداد، توقف موقت در دوران اوج‌گیری و پیک‌های بیماری، تمدید مدت و نظایر آن از انحلال کلی یا فسخ قراردادها به واسطه کرونا جلوگیری کرد، مگر در موارد خاص و استثنایی که تداوم کرونا به طور کلی انجام قرارداد را غیرمقدور ساخته باشد. در نتیجه پیدایش پاندمی کرونا سبب اخلال در انجام تعهدات شده است و از این بابت با توجه به احراز شرایط فورس ماژور می‌توان آن را تعدیل کرد، ولی علیرغم آثار شگرف کرونا بر اوضاع و احوال اقتصادی و تجاری، نمی‌توان به طور کلی آن را مانع اساسی و غیرقابل عدول تلقی نمود و به تبع آن حکم به فسخ و انحلال قرارداد صادر کرد.

با توجه به پژوهش صورت گرفته و همین‌طور نتایج حاصل از آن، می‌توان به برخی از پیشنهادها اشاره داشت که ذیلاً بیان خواهد شد: پیشنهاد اول معطوف به قراردادهایی است که پیش از بروز و ظهور پاندمی کرونا بوده است و این ویروس تاثیر زیادی بر روی قرارداد گذاشته است و پیشنهاد دوم نیز مربوط به بعد از احراز شرایط کرونا است و شامل مواردی می‌شود که طرفین با علم به کرونا نسبت به انعقاد قرارداد اقدام می‌کنند. در خصوص قسمت اول، پیشنهاد قابل ارایه خود به دو بخش قابل تقسیم است، پیشنهاد اول معطوف به شرایط خاص و بحرانی است که کرونا تمام راهکارهای بهبود وضعیت قرارداد را به چالش کشیده است. در این خصوص صرفاً می‌توان برای جلوگیری از ضرر از انحلال و فسخ استفاده



کرد، اما پیشنهاد بهتر حفظ قرارداد اصلی و جلوگیری از اثرگذاری تام و تمام کرونا بر قرارداد و تعهدات قراردادی است، به این ترتیب می‌توان از راهکارهایی نظیر تعدیل قرارداد، تمدید مهلت قرارداد، ارایه توافق جدید و ضمیمه و توقف موقت در دوران پیک کرونا بهره گرفت. بدیهی است که این موارد پیشنهادی با توجه به ادامه‌دار وضعیت کرونا ولو با وجود واکسیناسیون می‌تواند با وضع تشریفات خاص به قانون نیز تبدیل شود. پیشنهاد آخر نیز مربوط به قراردادهایی است که در زمان کرونا و با علم به وضعیت کرونایی منعقد می‌شود. در این خصوص می‌توان قوانین و مقررات موجود را دستخوش تغییر کرد به نحوی که شرایط حاکم بر کرونا، قرنطینه، محدودیت حمل و نقل، شرایط فورس ماژور و نظایر آن به طوری از قبل پیش‌بینی شده در قانون وجود داشته باشد و طرفین نسبت به آنها توافق کنند. در این خصوص می‌توان از ظرفیت و تجربه تقنینی کشورهای پیشرو در این زمینه نیز بهره گرفت و در راستای تغییر قوانین آنها را به کار بست.

منابع و مأخذ:

۱. امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، انتشارات اسلامی، ج ۱، ۱۳۸۳.
۲. بادینی، حسن و صمدی، افروز، تعلیق قرارداد: قاعده‌ای عمومی یا قاعده مختص حقوق کار با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه و انگلیس، نشریه پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۲، ۱۳۹۶.
۳. بیگدلی، سعید، تعدیل قرارداد، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸.
۴. حسین آبادی، امیر، تعادل اقتصادی قرارداد، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۲۱-۲۲.
۵. شهیدی، مهدی، سقوط تعهدات، نشر میزان، ۱۳۸۵.
۶. طوسی، ابی جعفر محمد، المبسوط، ج ۳، تهران، نشرالمکتبه المرتضویه، ۱۳۸۸.
۷. فخار طوسی، جواد، پژوهشی در تعدیل قرارداد، مجله فقه اهل بیت، شماره ۲۷.
۸. کاتوزیان، ناصر، دوره مقدماتی حقوق مدنی اعمال حقوقی قرارداد و ایقاع، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۵.
۹. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد اول، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۹.
۱۰. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد پنجم، شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا، ۱۳۸۶.
۱۱. کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، جلد سوم، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
۱۲. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات، نشر کیهان، تهران، ۱۳۷۱.



۱۳. نیازآبادی، مهدی و انصاری، نرگس، تحلیل وضعیت ناشی از شیوع ویروس کرونا ذیل معاذیر موجه عدم اجرای تعهدات قراردادی، نشریه تحقیقات حقوقی، شماره ۸۹، ۱۳۹۹.

۱۴. Dorr, Oliver, Schmalenbach, Kirsten, Vienna Convention on the Law of Treaties a Commentary, Springer Heidelberg Dordrecht London, New York, ۲۰۱۲
۱۵. Girsberger, Daniel and Paulius Zapolskis, "Fundamental Alteration of The Contractual Equilibrium Under Hardship Exemption", Jurisprudence Journal, March ۲۰۱۲
۱۶. Mazzacano, Peter J, Force Majeure, Impossibility, Frustration & the Like: Excuses for Non-Performance; the Historical Origins and Development of an Autonomous Commercial Norm in the CISG, Nordic Journal of Commercial Law, n۲, ۲۰۰۱
۱۷. Schleehtriem Peter, The German Act to Modernize the Law of Obligation in the Content of Common principles and Structhres of the Law of Obligations in Europe (Adjustment of Contract) ,Oxford University Law Fornm, ۲۰۰۲

توجه داشته باشید: جهت چاپ مقالات خود در نشریات علمی و همایش های معتبر با (خانم دکتر جعفری) ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵ تماس بگیرید. گواهی نامه پذیرش و چاپ مقاله، کمتر از ۷۲ ساعت صادر می گردد.

**موسسه علمی و حقوقی قانون یار
برگزار می کند**

**پنجمین همایش علمی-پژوهشی
مطالعات علمی علوم انسانی در جهان اسلام**

ارگان ها و سازمان های حامی معنوی برگزاری همایش (در استان کرمانشاه)
دانشگاه فرهنگیان - سازمان ارشاد اسلامی - آموزش و پرورش - بنیاد شهید، سازمان شهرداری و ...

www.Olomensani.ir **www.Ghanonyar.ir**

محورهای پذیرش مقالات

- تمام گرایش های رشته فقه، حقوق و علوم قضایی ■ علوم تربیتی، تکنولوژی آموزش و آموزش و پرورش
- روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم دینی و مذهبی ■ علوم اقتصادی، بانکی و تمام گرایش های مدیریت

مدیر اجرایی همایش **دکتر شهلا رضایی**
دبیر علمی و مسئول همایش **دکتر بهنام اسدی**
مکان و زمان برگزاری همایش **کرمانشاه - ۱۴۰۱/۱۲/۱۱**

ایمیل رسمی همایش جهت دریافت مقالات پژوهشگران **OLOMENSANI@YAHOO.COM**
ارسال مقاله از طریق واتس آپ، اینستاگرام، تلگرام، روبیکا به شماره ۰۹۱۰۰۶۳۶۰۰۲

دبیرخانه مرکزی موسسه قانون یار: تهران، میدان انقلاب، خیابان اردیبهشت، موسسه قانون یار ۰۵۲۶ - ۰۲۱۶۶۹۷۹۵۱۹
 ((در صورت طرح سوال درخصوص ارسال مقاله یا جذب در هیات علمی همایش با خانم دکتر قبادی تماس بگیرید. ۰۹۱۹۶۷۴۸۶۲۵))

 CiteFactor
Academic Scientific Journals
Indexing
Academia.edu
California-San Francisco
  MENDELEY
Sponsored And Indexed
PBBIN.com
Scientific Information Database
  جهاد
دانشگاهی
Scientific Information Database
  DRJI
Directory of Research Journals Indexing
WORLD of JOURNALS
  CONF PAPER
Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science